

۱۴ فرورد ۵۳

# مهاجرت

تألیف

فروع ارباب

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بیع

## مقدمه

نوجوانان و جوانان گرامی :

از آنجائیکه امروزه امر مهاجرت از اهم امور است و شارع مقدس این آئین اعظم و مبین عظیم الشان و ولی عزیز امرالله الواح مفصلی برای اجرای این نقشه عظیم نازل فرموده اند و همچنین بیت العدل اعظم نیز پیش از پیش نظرشان متوجه نوجوانان و جوانان گردیده و در پیامهای خویش خطاب بآن دوستان بیاناتی فرموده اند که قابل توجه و دقت فراوان است .

لذا بنا بر امریه محفل مقدس ملی روحانی لجنه ملی تربیت امری تصمیم گرفت که برای آشنا ساختن آن یاران الهی بوظیفه ای که در قبال پیامهای صادره از آن مقام مرسوم از خطا بمعهدده دارند جزوه ای تدوین نموده و آیات الهی را که شامل این دستورات مبارکه می باشد تشریح نماید تا عشای نورسیده آئین اعظم که هدفی جز اطاعت احکام و دستورات الهی ندارند پس از مطالعه

آن و دانستن اهمیت موضوع مهاجرت خویشتن را بسرای  
سالهای آینده که قدرت بیشتری برای انجام این امر خطیر  
خواهند داشت مهیا و آماده سازند .

بنابراین نگارنده این چند صفحه مختصر را که در آن  
سعی شده منویات محفل مقدس و لجنه مجله توضیح  
داده شود تقدیم مینماید باشد که پس از مطالعه این  
سطور عشق به امر مهاجرت چنان در دل و قلب آن  
گلهای نوشگفته در بوستان الهی نقش بندد که در موقع  
مناسب و اقتضای سن از جمیع شئونات دنیوی چشم  
پوشیده و در میدان هجرت و تبلیغ قدم گذارند و ندای  
امرالله را بگوش قریب و بعید رسانند و البته اقدام به  
این امر باید با تصویب تشکیلات اداری امری و موافقت  
تامه و رضای باطن پدران و مادران ارجمند انجام  
گیرد و همچنین باید مراعات صوابدید آنان بشود زیرا  
که برطبق نصوص صریحه آیات الهیه اطاعت پدر و مادر در  
حکم اطاعت خدا و از فرائض ایمانی اهل بهاء است .

فروغ ارباب      رضوان ۱۲۹ بدیع

اردیبهشت ۱۳۵۱ شمسی

## هجرت چیست و مهاجر کیست

—————

حضرت بهاء الله جل ذكره الاعلی میفرمایند :

" یا اهل الارض اذا غربت شمس جمالی و سترت سماء  
 هیکنی لا تضربوا قوموا علی نصره امری و ارتفاع کلمتی  
 بین العالمین انا معکم فی نل الاحوال و ننصرکم  
 بالحق انا کنا قادرین . من عرفنی یقوم علی خدمتی  
 بقیام لا تقعه جنود السموات والارضین . ان الناس  
 نیام لو انتبهوا سرعوا بالقلوب الی الله العلیم الحکیم  
 و نبذوا ما عندهم و لو کان کنوز الدنیا کلها لیدکرهم  
 مولیهم بکلمة من عنده . . . " الی آخر بیانہ الاحلی .

این بیانات مبارکه از قلم مطهر حضرت بهاء الله  
 جل ذكره الاعلی در کتاب مستطاب اقدس نازل شده و  
 مضمون بیان مبارک اینستکه ای اهل زمین پس از آنکه  
 آفتاب جمال غروب کرد و آسمان هیگلم مستور مانسید  
 ( یعنی صعود مبارک اتفاق افتاد ) مضطرب نشوید و

بر نصرت امر من قیام نمائید و کلمه مرا بین مردم مرتفع سازید مادر جمیع احوال با شما هستم و شما را یاری میکنیم . کسیکه مرا شناخت بقسمی قیام بر خدمت من میکند که لشگرهای زمین و آسمان او را نمی‌شানند . مرد خفتگانند اگر بیدار شوند با قلب بطرف خداوند علیم حکیم می‌شتابند و آنچه که نزد آنها است از خود دور میکنند حتی اگر گنجهای دنیا باشد . تا آنکه آنان را مولایشان ذکر کند بگلمه ای از نزد خودش . . . الی آخر

کتاب مستطاب اقدس هنگامیکه هیکل مبارک در عکاب تشریف داشتند نازل شده و در آن کتاب مقدس حضرت بهاء الله وظائف اهل بها را تعیین فرموده اند . از این آیه مبارکه بزرگترین وظیفه اهل بها بعد از صعود مبارک معلوم میشود . امر میفرمایند که اهل بها باید قیام بر امر تبلیغ نمایند و ندای امر مبارک را بگوش عالمیان برسانند و مردم خوابیده را بیدار نمایند زیرا مردم خوابیده چون بیدار شوند از گنجهای دنیوی آنچه را مالک هستند می‌گذارند و بسوی خداوند می‌شتابند .

این بیان مبارك تا حدی تحقق یافته و مؤمنین امر الهی که بفرمان حقیقی فائز شده اند از عزیزترین چیزهای دنیوی حتی جان و اولاد و بستگان گذشته و برای ارتفاع ندای الهی قیام کرده اند آنها نفوس برگزیده‌ای هستند که ترك اوطان خود کرده و در دیار و بلاد گردش نموده علم امرالله را بلند ساخته اند و عده زیادی از آن نفوس در ادوار اولیّه امر در میدان فدایان باخته اند و اکنون هم عده بشمارى از آنها در گوه و دشت و جنگل بسیر و سفر می پردازند و مردمی را که تا کنون ندای حق را نشنیده اند از خواب غفلت بیدار میکنند .

حضرت بهاء الله برای تحقق بخشیدن باین دستور مبارك دیگری نیز در کتاب مستطاب اقدس نازل فرموده اند که مؤید بیان فوق می باشد میفرمایند :

” قد اذن الله لمن اراد ان يتعلم الالسن المختلفة لیبلیغ امرالله شرق الارض و غربها و تذکره بین الدول و الملل علی شأن تنجذب به الافئدة و یحیی به کل

عظیم رمیـم ”

مضمون بیان مبارک اینستکه اجازه فرموده خداوند از برای کسیکه بخواهد فراگیرد زبانهای مختلفه را تاآنکه امر خدا را در شرق و غرب زمین تبلیغ کند و ذکر کند خداوند را بین دول و ملل بشأ نیکه بوسیله آن قلوب منجذب شود و هر استخوان پوسیده ای بآن زنده گردد . پس معلوم میشود ابلاغ کلام الهیه بین دول و طلل عالم و سفر بشرق و غرب زمین برای ارتفاع ندای امرالهی از دستورات مبارکه حضرت بهاء الله است حتی اجازه فرموده اند که برای اجرای این دستور احبای الهی زبانهای مختلفه را نیز بیاموزند .

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس و الواح متعدده راجع باین موضوع بیانات مفصّلی فرموده اند حتی بیانی باین مضمون میفرمایند که اگر کسی مطلع امر را شناخت با چشمهای خودش تیرها را که بسویش پرتاب میشوند استقبال میکند . بهمین جهت هم کسانیکه ایمان کامل دارند و برای تبلیغ امرالله قیام مینمایند از



تیرهای بلا هراسی ندارند و مصائب و سختی‌ها را بادل و جان استقبال می‌کنند . این نفوس مقدسه مبلغین و مهاجرین فی سبیل الله هستند . مبلغینی که به نقاط مختلفه سفر می‌کنند و مهاجرینی که هجرت اختیار کرده و در دیار دیگر ساکن میشوند و بمنظور اطاعت از دستور شارع اعظم آنچه که از چیزهای دنیوی دارند از خود دور می‌کنند و رضای مولای خود را میجویند زیرا اطمینان دارند که بفرموده مبارک حضرت بهاء الله هر کس قیام بخد مت نماید در جمیع احوال تأیید میشود .

### هجرت در ادوار گذشته

مممممممممممم

امر هجرت در ظل ادیان بمنظور پیشرفت امر الهی و تبلیغ مردم دنیا انجام می‌گیرد بنابراین در تمام ادیان گذشته هجرت پیغمبران و هجرت مؤمنین آنها باعث انتشار آئین الهی گردیده است مثلاً حضرت ابراهیم خلیل که مردم را از پرستش بت‌ها باز می‌داشت

و به پرستش خداوند یگانه دعوت میکرد دشمنانش به او  
اذیت و آزار روا میداشتند بالاخره هم او را از شهر  
اخراج کردند تا بلکه از او اثری باقی نماند و از امری  
که بین خلق منتشر می ساخت نشانی در میان نباشد  
بنابراین حضرت ابراهیم به اراضی مقدسه هجرت فرمود  
و این هجرت سبب شد که امر الهی در آن دیار مستقر  
گردد و بفرموده حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداه در اثر  
آن هجرت از سالله ابراهیم پیغمبرانی چون حضرت موسی  
و حضرت مسیح و حضرت محمد و بالاخره حضرت ربّ اعلی  
بوجود آمدند و امر الهی بشرق و غرب عالم سرایت کرد .  
در زمان حضرت موسی هم این هجرت اتفاق افتاد  
و حضرت موسی با اتفاق قوم بنی اسرائیل از سرزمین مصر  
خارج شد و به ارض مقدس وارد گردید و در آن مکان  
بنی اسرائیل پس از آزادی از اسارت مصریان بسرایی  
انتشار امر الهی کوشیدند و موفقیت کاملی نصیب آنها  
گردید بنحویکه پس از چندی آوازه دین موسوی در  
همه جا پیچید و سالهای بعد علمای یونان نزد بنی اسرائیل

می آمدند و تعلیم یگانگی خداوند را می گرفتند .  
حضرت بودا هم در هندوستان برای اعلاى امرش  
بسیر و سفر پرداخت و شاگردانش پس از او بدیار دیگر  
هجرت و مسافرت کردند .

حضرت زرتشت هم که در ایران ظاهر شد در چهار  
ظلم اعداء گردید و از غرب به شرق ایران که در آن زمان  
مملکت پهناروی بود با اتفاق چند نفر از مؤمنین خود  
هجرت کرد و در بلخ پادشاه ایران شاه گشتاسب و چند  
نفر از وزراء و ملکه و پدرشاه دیانت او را پذیرفتند و  
دیانت زرتشت بتمام نقاط ایران و هندوستان سرایت  
کرد .

حضرت مسیح هم پس از اظهار امر در ارض مقدسه  
در شهرهای مختلف . امر الهی را ابلاغ مینمود و پس  
از مصلوبی او هجرت حواریون سبب انتشار آئین الهی  
گردید . حواریون پس از غیبت ظاهری مولای خود  
دقیقه ای راحت نکردند و آسایش ننمودند هر يك از آنها  
بسمتی حرکت کرد و با پای پیاده بشهرهای مختلف سفر

نمود . رنجها دیدند و مشقتها تحمل نمودند تا آنکه  
ندای الهی را بگوش مردم جهان رسانیدند .

در دیانت اسلام هم این هجرت واقع شد حضرت  
محمد رسول الله <sup>(ص)</sup> و پیروانش مدت سیزده سال در مکه  
مورد آزار و اذیت دشمنان واقع بودند بالاخره از مکه  
بمدینه هجرت فرمودند و در مدینه عده زیادی در ظل  
امر الهی وارد شدند که آنها نیز بنوبه خود ندای امر  
خداوند را بگوش دور و نزدیک رسانیدند و همچنین  
عده ای از اصحاب از شدت جور اعداء به حبشه مهاجرت  
کردند و نتیجه این هجرت استقرار دین اسلام در ممالک  
مجاوره گردید .

پس واضح شد که هجرت از وظائف مؤمنینی است که  
طالب انتشار امر مولای خود هستند و بمنظور شناسانیدن  
امر خداوند کأس هر بلارا با شادمانی و سرور می نوشند .

## هجرت در زمان حضرت نقطه اولی

( عهد اعلی )

~~~~~

حضرت اعلی روح ماسواه فداه که مبشر عظیم آئین  
حضرت بهاء الله هستند پس از آنکه اظهار امر فرمودند  
و حروف حی تکمیل گردید هر یک از حروف حی را بحضور  
طلبیده و پس از ابلاغ دستورات الهی آنها را بنقطه ای  
برای تبلیغ امر مبارک اعزام فرمودند وجود مبارکشان نیز  
باتفاق جناب قدوس، بمکه معظمه سفر نمودند و آئین  
مبارک را به شریف مکه ابلاغ فرمودند .

الباب

حضرت نقطه اولی به ملاحسین بشروئی (جناب باب )

امر فرمودند که سفر اختیار فرماید و از بلاد و شهرها  
عبور کند و بصدای بلند مردم را مخاطب ساخته بگوید  
بیدار شوید ، بیدار شوید ، که باب رحمت الهی باز  
است ، صبح هدایت در نهایت روشنی دمیده و حضرت  
موعود آشکار گشته . . .

جناب ملاعلی بسطامی را احضار کردند و ایشان را بجانب نجف و کربلا گسیل داشتند و مصائبی را که در راه خداوند در پیش داشت يك يك برایش بیان نمودند و فرمودند که تو باید در ایمان خویش دارای ثبات و استقامت باشی و مانند کوه از آریاح شدید امتحانات و مصائب متبین و پابرجا باشی بعد فرمودند تو اول کسی هستی که از بیت الله خارج میشوی و برای تبلیغ امر سفر مینمائی و اول کسی هستی که در سبیل نصرت امرالله گرفتار بلا میشوی اگر در این راه جان خود را هم بدهی مطمئن باش که اجر تو جزیل است و بموهبت کبری خواهی رسید .

و بهمین نحو سایر حروف حی را احضار فرمودند و هر يك را بطرفی مأموریت دادند و در موقع وداع به آنها بیاناتی فرمودند که مفصل است و دستور العملی است که یکنفر مبلغ و یا مهاجر راه خداوند باید آن را آویزه گوش هوش قرار دهد . از جمله به این مضمون فرمودند :  
 " ای یاران عزیز من : شما در این ایام حامل پیام

الهی هستید خداوند شما را برای مخزن اسرار خویش  
 انتخاب فرموده تا امر الهی را ابلاغ نمائید . . . . ”  
 سپس بیاناتی فرمودند که مفاد آنها این بود : بیانات  
 بیانگنده حضرت مسیح را که بشاگردان خود فرمودند بیاند  
 آورده که پس از بیاناتی راجع به طهارت و پاکی و حسن  
 اعمال و گفتار فرمود شما نمک زمین هستید اگر نمک فاسد  
 شود دنیا با چه چیز اصلاح خواهد انقطاع شما بایستد  
 بدرجه ای باشد که در هر شهری برای تبلیغ امرالله  
 داخل شوید از مردم آنشهر بهیچوجه اجر و مزدی توقع  
 نداشته باشید غذا و طعام طلب نکنید و هنگامیکه از آن  
 شهر میگذرواید خارج شوید گرد کفشهای خود راهم  
 بتکانید . . . .

بعد حضرت رب اعلی خطاب بحروف حی فرمودند  
 که ای حروف حی ای مؤمنین من یقین بدانید که عظمت  
 امروز نسبت بایام سابق بی نهایت بلکه قابل قیاس —  
 نیست شما نفوسی هستید که انوار صبح ظهور را مشاهده  
 کردید و با سرار امرش آگاه شدید کم همت محکم کنید . . . .

در طول و عرض جهان پراکنده شوید و با قدم ثابت و قلب  
بی آرایش راه را برای آمدن روز خدا مهیا و مسطح کنید  
بضعف و عجز خود نظر نکنید و بقدرت و عظمت خداوند  
مقتدر و توانای خود ناظر باشید . . . .

باین نحو مؤمنین اولیه امر باطراف و اکناف سفر نمودند  
و به تبلیغ امرالله پرداختند و جان عزیز را در راه اعلای  
مرالله فدا نمودند و حبس و تبعیدی های حضرت اعلی  
آن وجود مقدس هم هر یک نتایجی ببار آورد که لازم بشرح  
و بیان نیست اغلب کسانی که بزیارت هیکل مبارک در  
شهرهای مختلف نائل شدند و دارای قلبی پاک و مطهر  
بودند بامر مبارک اقبال نمودند . در نتیجه در مدت  
نه سال عهد اعلی امر مبارک در دو کشور ایران و عراق  
نفوذ نمود .



هجرت در زمان حضرت بهاء الله

جل زکرة الاعلی ( عهد ابهیی )

~~~~~

نه سال پس از اظهار امر حضرت اعلی در سیاه چال  
 طهران اظهار امر خفی حضرت بهاء الله اتفاق افتاد  
 و بلا فاصله پس از استخلاص از سجن اکبر هیکل مبارک  
 و عائله مبارکه به بغداد تبعید شدند و نوزده سال از  
 ظهور امر حضرت رب اعلی گذشته بود که حضرت بهاء الله  
 علناً در بغداد اظهار امر فرمودند و در همان موقع از  
 بغداد به اسلامبول تبعید شدند بالاخره از اسلامبول  
 بادرنه و از ادرنه به عکا تشریف بردند در این هجرت  
 عائله مبارکه و عده ای از مؤمنین امر هم با ایشان همراه  
 بودند و این هجرتی بود که بلایا و مصائب فراوانی را  
 همراه داشت . داستان ورود بسجن اعظم یهنسی  
 بزرگترین منفی گاه مقصرین دولت عثمانی راهمه میدانیم  
 و مشقاتی را که هیکل مبارک و عائله مبارکه و مؤمنین امر

جمالقدم تحمل فرمودند در کتب تاریخ خوانده ایم اما  
این هجرت و تحمل آنهمه بلایا نتیجه اشراعی امربارک  
بود . حضرت عبدالبهاء پس از آنکه نتایج هجرت حضرت  
ابراهیم را بیان مینمایند میفرمایند :

” هجرت ابراهیمی که از ارضه حلب به سوره بسود  
و تایجش این گشت آیا هجرت جمالبارک از طهران  
ببغداد و از آنجا باسلامبول و از آنجا برومیلی و از آنجا  
بارضه مقدس چه نتایج خواهد داشت ”

علاوه بر این در زمان حضرت بهاء الله عده زیادی  
از احبای ایران بنقاط مختلفه و ممالک مجاوره هجرت  
نمودند و یا تبعید گردیدند که نتایج شریخی از وجوه  
آن مهاجرین به بار آمد و در مدت سی و نه ساله عهد  
ابهی صیت امرالله در سیزده (۱۳) - ۱- مطگت دیگر از اقالیم  
عالم منتشر گردید و مقام مهاجرین فی سبیل الله آنقدر  
در نزد حق عزیز بود که حضرت بهاء الله خطاب بیکسی

---

(۱) سیزده باضافه دویمنی پانزده مطکت (۱۵)

از مهاجرین فرمودند :

" یا محمد یا ایها المهاجر حق جل و جلاله وطن  
را گذارد و غربت اختیار نمود تا این غربت غربای ارض را  
بوطن حقیقی برساند . این غربت از صد هزار وطن  
محبوب تراست چه که فی سبیل الله واقع شده . . . . .  
الی آخر بیانہ الا حلی .

هجرت در زمان حضرت عبدالبهاء

روح ماسواه فداه ( عهد میثاق )

~~~~~

حضرت عبدالبهاء مبین مقدس این آئین اعظم پس از  
صعود مبارک اب بزرگوارشان دستورات و تعالیم آن  
وجود مقدس را بین احباب و اغیار منتشر ساختند و خطاب  
به اهل بهاء چنین فرمودند :

" ای آوارگان سبیل حق سروسامان و آسودگی

و آزادی هر چند کام دل و راحت جان است ولی  
آزادی و آوارگی در راه خدا به از صد هزار سروسامان

چه که این غربت و هجرت موهبت از پی دارد و رحمت  
 پیایی زیرا لذت آسودگی در وطن و حلاوت آزادگی  
 از محن بگذرد ولی موهبت هجرت در سبیل حضرت  
 احدیت باقی و دائمی و مستمر و نتایج عظیمه از آن مشتهر"

علاوه بر آنکه هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء در زمان  
 حیات خویش مبلغینی بنقاط مختلفه دنیا اعزام فرمودند  
 و مهاجرینی نیز ترك اوطان نموده و در نقاط دیگر  
 ساکن شدند و به نشر نفعات الله و تبلیغ امرالله پرداختند  
 آن وجود مقدس هم شخصاً اقدام فرموده پس از آزادی از  
 سجن مدتی در مصر اقامت نموده و همچنین مدتی در  
 آمریکا و اروپا به نشر نفعات الله مشغول بودند و در کنائس  
 و کلیساها و دانشگاهها و مجامع علمی علم یابها را بهی  
 را بلند نمودند . حضرت عبدالبهاء در الواح مختلفه  
 شرائط مبلغین و وظائف مهاجرین را بطور اکمال تشریح  
 فرموده اند بخصوص پس از مراجعت از سفرهای غرب که  
 جنگ اول جهانی ادامه یافت و سفر بدیار دیگر مشکل بود  
 حضرت عبدالبهاء چهارده (۱۴) لوح مبارک را بافتخار

احبای آمریکا و کانادا نازل فرمودند که بفرامین<sup>(۱)</sup> تبلیغی  
 ویا منشور تبلیغی حضرت عبدالبهاء مشهور است در این  
 فرامین تبلیغی هیکل مبارک احباء آمریکا و کانادا را به  
 مهاجرت و تبلیغ در ممالک و اقالیم مجاوره و جزائر و روستا  
 تشویق فرموده اند و دستورهای لازمه و راهنمایی های  
 ممکنه را بر اسی فتح آن نقاط بیان فرموده اند و در یکی  
 از الواح چهارگانه حضرت عبدالبهاء احباء الهی را  
 حواریون حضرت بهاء الله نامیده اند و بیان میفرمایند  
 که چگونه حواری حضرت بهاء الله باید دارای صفات  
 الهی باشد و از راحت تن و جان در گذرد و مانند  
 سواری دلاور بسپاه عالم زند و موفق بفتح قلوب شود و  
 سپس آرزو مینمایند که احباء الهی دارای چنین مقامی  
 شوند که نام حواری حضرت بهاء الله بر آنها برانند  
 باشد .

یاران امریکا آن الواح را نقشه الهی نامیده و از دل  
 و جان قیام کردند ترك وطن و شهر نموده آواره بلاد

---

(۱) فرامین تبلیغی . منشور دوم تبلیغی است .

شدند و تا آخرین دم حیات آرام نگرفتند و با انتشار تعالیم مبارکه پرداختند . تا آنکه هنگام صعود مبارك امر الهی درسی و پنج ( ۳۵ ) مملکت از ممالک دنیا مستقر گشته بود حضرت عبدالبهاء در یکی دیگر از فرامین تبلیغی این بیانات اعلی را میفرمایند که با اندکی دقت در آن میتوانیم بوظیفه خود پی ببریم :

" ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو یکمال فقر بآن صفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الابهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی را مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم ."

حضرت عبدالبهاء همچنانکه احواء را به خدمت و نشر نفعات تشویق میفرمودند وجود مبارکشانی نیز تا آخرین ایام رمی تبلیغ امرالله را از یاد نبردند و بالاخره در آنوقت وصایای خود که منشور اول تبلیغی نامیده میشود خطاب به یاران چنین فرمودند :

" ای ثابتان بر پیمان : این طیر بال و پر شکسته و

مظلوم چون آهنگ ملا اعلیٰ نماید و بجهان پنهمان  
 شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد  
 باید افنان ثابته را سخته بر میثاق الله که از سدره  
 تقدیس روئیده اند با حضرات ایادی امرالله علیهم  
 بهاء الله و جمیع یاران و دوستان بالاتفاق بنشور  
 نفعات الله و تبلیغ امرالله و ترویج دین الله بدل و جان  
 قیام نمایند دقیقه ای آرام نگیرند و آنی استراحت  
 نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد  
 و سرگشته هر اقلیم گردند . دقیقه ای نیاسایند و آنی  
 آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری  
 نعره یا بهاء الابهی زنند و در هر شهری شهره آفاق  
 شوند . . . . " الی آخر بیانہ الاحلی

هجرت در زمان حضرت ولی امرالله

( دوران ولایت امر )

—————

پس از صعود حضرت عبدالبهاء بنا بر نصّ الواح مبارکه وصایا حضرت شوقی ربانی بمقام ولایت امر منصوب گردیدند و اداره امر را یکف پر کفایت خویش گرفتند و در مدت سی و شش ( ۳۶ ) سال دوره ولایت خویش در راه پیشرفت امر هجرت و اعزام مهاجرین بنقاط مختلفه دنیا سعی فراوان نمودند و بمنظور تشویق احباء برای هجرت و تبلیغ توقیعات مفصله ای نازل فرموده و دربیانات مبارکه خویش از الواح حضرت عبدالبهاء شواهدی ذکر فرمودند و یاران الهی را تشویق و تحریص باین امر مهم نمودند و خطاب به احبای شیگامو چنین فرمودند :

” آن مولای بیهمتا دائما ما را از ملکوت قدس خود

خطاب نموده امر میدهد تا مواظب باشیم که مبارک توجه

بسیار و بیموقع بامور ثانوی جزئی بی اهمیت و اشتغال



کثیر بجزئیات ما را از مهمترین و لازم ترین وظائف خود باز دارد اهم و الزم وظیفه ما آنستکه به تبلیغ و تیشیر امرالله قیام نمائیم . این صلاى عالم را که حقیقت صرفه است بگوشه نیای غم زده مخروبه ستم دیده برسانیم تا بخود آیند و بذیل مکرمتش متمسک گردند . " ( ترجمه )  
و همچنین خطاب به احبای شرق میفرمایند :

" این خطاب روح دهنده حضرت عبدالبهاء را بیاد آرید : ای بندگان آستان مقدس جنود ملاعلی در اوج علاصف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مردمیدان و فارس عرفان که بمحض جولان نصرت نمایند و تائید کنند و قوه الظهر گردند پس خوشا بحال فارسی که اسباب جولان دهد و طوبی از برای دلیری که بقوت عرفان در میدان برهان بتازد و صف جهل بدرد و سپاه ظلمت شکست دهد و علم هدی بلفد کند و کوس غلبه بتوازد تالله الحق لفی فوز عظیم و ظفر مبین وان هذا هو الفضل البدیع والبهاء علیکم یا احباء القدیم .

نفس این ندا در این اوان دمام از عالم بالا از

حضرت عبدالبهاء بگوش سپاهیانش در ملك ادنی واصل  
درنگ دیگر ممکن نه و تأمل جایز نیست میدان وسیع  
است واسب مهیا یقین است که موفق خواهیم شد .  
با مجاهدتهای شبانه روزی هیکل مبارک حضرت  
ولی عزیز امرالله بود که عدّه زیادی از مؤمنین در سراسر  
عالم ترك لایه و گاشانه نموده و در ممالک دور دست  
سکنی گزیدند و در نقاطیکه اثری از تمدن وجود نداشت  
حتی در بین بومیهای وحشی بسر بردند و آنها را رسم  
و راه زندگی آموختند و به پرستش خدای بیگانه و شناسائی  
مظهر کلی الهی دعوت نمودند کلمات گرانبھائی که از فم  
آن مولای حنون صادر میگرددید چون در و مرواریدی  
بوده که مؤمنین امرش آنها را بدل و جان میخریدند و  
نصائح مشفقانه اش را برای امر هجرت بگوش جان می شنید  
از آنجائیکه حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا فرموده  
بودند که : " شوقی افندی را نهایت مواظبت نمائید که  
غبار کدر و حزنی بر خاطر نورانیش نه نشیند و روز بسروز  
فرح و سرور و روحانیتش افزوده گردد . پس مؤمنین امر

الهی و عشاق آن دلبر رحمانی که میدانستند هر گاه  
نقطه ای از نقاط جهان فتح شود و مهاجری در آن قدم  
گذارد و یا محفلی در آن نقطه تشکیل گردد هیچکس  
مبارک چقدر مسرور میشوند قیام عاشقانه مینمودند و بدستور  
مبارک بجز ایر دور دست و نقاط بد آب و هوا قدم میگذار  
شتند  
و نامشان در لوحه طلائی ثبت میگردد . حضرت ولی  
امرالله در توقیع مبارک نوروز صد و یازده ( ۱۱۱ ) بدیع  
فرموده اند :

" ای برادران و خواهران روحانی : حال وقت قیام  
است و یوم خروج و هجوم و خروش و زمان زمان مهاجرت  
و مجاهدت و نشر انوار هدایت و جنگ و ستیز با ظلمات  
ضلالت . ایام در گذر است فرصت را باید غنیمت شمرد  
و الا یا حسرة علینا و علی ما فرطنا فی جنب الله . . . "

الی آخر بیانہ الاحلی .

در این توقیع مبارک احبای شهرها و ممالک را دعوت  
میفرمایند که وطن های خود را ترك کنند و از بستگان  
و نوری القریب دست بکشند و ندای امرالهی را بگوش

جهانیان برسانند سپس در خاتمه هیکل مبارک قسم یاد میفرمایند که کسانی که قیام نمایند روح الامین آنها رایاری می کنند و الهام می بخشد .

حضرت ولی امرالله با طرح نقشه های تبلیغی برای احبای دنیا که میتوان نقشه چهل و پنج ماهه برای احبای ایران -- نقشه های هفت ساله بهائیان ممالک متحده آمریکای شمالی و نقشه پنج ساله یاران کانادا -- نقشه شش ساله و دو ساله احبای بریتانیا -- نقشه پنجساله احبای آلمان و اطریش -- نقشه یکساله بهائیان آمریکای مرکزی و نقشه های طیه تبلیغی دیگری برای احبای مصر و عراق و هندوستان و استرالیا را نام برد و همچنین تشکیل کنفرانسهای بین القارات و جشنهایی در نقاط مختلفه عالم و نزول توقیع های غرّ اهل بهاء را بوظائف خود آشنا ساخته و دستورات حضرت نقطه اولی و حضرت بهاء الله و وصایای حضرت عبدالبهاء را بآنها گوشزد نمودند لذا سعی و مجاهدت فوق العاده آن هیکل مبارک که مدت سی و شش سال بطول انجامید و همت

احبای فداکار باعث شد که تبلیغ دست جمعی شروع گردید  
 " ویدخلون فی دین الله افواجا " که در بیانات حضرت  
 عبدالبهاء بآن بشارت داده شده بود تحقق یافت  
 و فوج فوج از مردم دنیا در ظل رایت امر بهاء مجتمع  
 شدند و در سراسر عالم محافل ملیه و محلیه و جمعیت های  
 بهائی تشکیل شد و تعداد زیادی از محافل ملیه و محلیه  
 در دفاتر دولتی تسجیل گردید و آثار امری به زبانهای  
 مختلفه ترجمه شد و آن مولای جنون در توقیع مبارک صد و  
 یازده ( ۱۱۱ ) بدیع که مدت یک قرن از امر مبارک میگذشت  
 آنهمه فتوحات روحانی را باهمل بهاء بشارت داده فرمود:  
 " آئین نازنینی که در دوره بیان در مدت نه سال  
 نظامش بد و کشور ایران و عراق عرب منحصر بود و در عهد  
 ثانی عهد جمال اقدس ابهی در مدت سی و نه ( ۳۹ ) سال  
 علمش در سیزده ( ۱۳ ) اقلیم از اقلیم شرقیه و در عهد  
 ثالث عهد مرکز میثاق جمال قدم در مدت بیست و نه ( ۲۹ )  
 سال در بیست ( ۱ ) مملکت دیگر از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع

---

( ۱ ) یعنی در ۳۵ مملکت

گشته بود و پس از انقضای صد ( ۱۰۰ ) سال از سنه ستین  
 تعداد ممالک مستظله در ظلش به هفتاد و هشت ( ۷۸ )  
 بالغ گشته . . . . " الی آخر بیانہ الاحلی .

آری این محافل طیه و مراکز امریه روز بروز افزایش  
 یافت تا آنکه در سال ۱۹۵۷ میلادی که در ماه نوامبر  
 صغور مبارک اتفاق افتاد هیکل مبارک در ماه سپتامبر  
 در توقیعی خطاب با اهل عالم بشارت فتوحات عظیمه را  
 دادند و فرمودند که تا بحال در ویست و پنجاه و چهار  
 ( ۲۵۴ ) مطکت فتح شده و محافل طیه ازد و آزد ( ۱۲ )  
 به بیست و شش ( ۲۶ ) بالغ گشته و به در ویست و سی و هفت  
 ( ۲۳۷ ) زبان مختلف آثار امری وجود دارد که البته این  
 ارقام بعد از صعود مبارک هم روز بروز افزایش یافته  
 است .

هجرت در زمان مؤسسه

ایادی امرالله

مممممممممممممم

پس از صعود مبارک مولای مهربان حضرت ولی امرالله روح ماسواه فداه هیئت ایادی که بوسیله هیکل مبارک از قارات مختلفه دنیا انتخاب شده بودند بعنوان حراس امر مبارک زمام امور را در دست گرفتند و با اداره امور دنیای بهائی مشغول شدند بنابراین در آن دوران هم امر مهاجرت و تبلیغ همچنان به پیشرفت خود ادامه دارد بااستثنای چند نفر ایادی ساکن ارض اقدس بقیه حضرات ایادی بمنظور تبلیغ امرالله و تشویق احباء مهاجرت به مسافرتها دور دنیا قیام فرمودند و چنان فداکاری و از خود گذشتگی از ایشان بظهور رسید که قابل تقدیر می باشد و هنوز هم مهاجرین عزیز در اقصی نقاط عالم با زیارت هر یک از ایادیان عزیز امرالله و راهنمایی های ایشان و تشویق و تحریص آن اوجودات منقطعه در نقطه

مهاجرتی قوتی عظیم یافته و باعشق بیشتری بفتوحات  
 باهره می پردازند .

### هجرت در زمان بیت العدل اعظم

—————

پس از آنکه در سال ۱۹۶۳ میلادی نمایندگان  
 پنجاه و شش (۵۶) محفل ملی دنیا در اررض اقدس مجتمع  
 و نه (۹) نفر ریاست اعضاء بیت العدل اعظم الهی  
 انتخاب نمودند آن مؤسسه الهی امور دنیای بهائی  
 را در کف قدرت خود گرفته و با فرستادن پیامهای اهل  
 بهاء را بادامه خدمت و هجرت و تبلیغ تشویق نمودند  
 و در سال ۱۹۶۴ نقشه نه (۹) ساله ای برای احبای  
 دنیا طرح نمودند و یاران الهی را موظف فرمودند که  
 ترك لافه و آشیانه نموده در شهرها و ممالک متفرق شوند  
 تا خفتگان وادی غفلت را بیدار ساخته و تشنگان تعالیم  
 الهیه را آب حیات نوشانند و در پیام مبارکی خطاب با اهل  
 بهاء فرمودند :



" بیت العدل اعظم چنان اهمیتی برای شروع سفر تبلیغی قائل است که تصمیم گرفته بآن جنبه بین المللی بدهد و اکنون رجا دارد تا وطلبانی برای خدمت در این میدان قیام نمایند . "

و همچنین فرمودند :

" پس ای یاران سزاوار آنکه افراد شصت و نه (۶۹)

جامعه بهائی عالم بکمال همت بوظائف روحانیه خویش قیام نمایند و یک دل و یک جهت غور و مطالعه فرمایند که چگونه در موعد مقرر با اهداف معینه نائل گردند باید جنود منصوره مهاجران سبیل الهی را متشکل و مجهز نمایند و کل در میدان خدمت و عبودیت گوی سبقت برهینند و بقیامی شایسته مفتخر شوند ، این وقت وقتی است بس غزیز و فرصت فرصتی است مغتنم و جلیل . . . "

در اثر این بیانات عالییه و دستورات متعالیه جامعه جهانی اهل بهاء قیام عاشقانه را ادامه دادند و بنا بر عقاید اهل بهاء و آنچه که شارع اعظم فرموده دستورات بیت العدل اعظم را دستورات جمال اقدس ابهی دانسته

و امر هجرت را مقدم بر هر کار شمرند بخصوص جوانان  
 عزیز بهائی در سراسر دنیا بفتوحاتی لانهایه موفیق  
 گشتند و همچنانکه در قاره افریقا و هندوستان و آمریکا<sup>ی</sup>  
 جنوبی تبلیغ دسته جمعی رواج کامل داشت در نقاط  
 دیگر دنیا حتی در آمریکای شمالی و اروپا هم این امر  
 شایع شد و فتح قلوب و مدن باعث شادمانی و سرور آن  
 مؤسسه الهی و مرجع اهل بهاء گردید و اکنون که رضوان  
 ۱۲۹ بدیع بی باشد و مدت یکسال با تمام نقشه ۹ ساله  
 باقیمانده تقریباً در بیشتر از سیصد و بیست مملکت ( ۳۲۰ )  
 از ممالک دنیا علم امرالله مرتفع گردیده و محافل ملیه دنیا  
 به صد و سیزده محفل ( ۱۱۳ ) بالغ شده و امید چنانست  
 که تا آخر نقشه جامعه بهائی بفتوحات لانهایه ای فائز  
 شوند و باعث رضایت چهار روح مقدس الهی حضرت  
 نقطه اولی و جمال اقدس ابهی و حضرت مولی الوری و  
 حضرت ولی امرالله روح ماسواه الفدا در عالم بالا گردد .

وظیفه نوجوانان و جوانان در قبال

امر هجرت

حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه میفرماید :

" جوانان بهائی میتوانند بطور قاطع به اصالت و صفا و قوه محرکه حیات جامعه کمک نمایند موقعیت و موقف آینده آئین الهی و ظهور و بروز کامل قوای مود و عهد در شریعت ربانی به همت و قیام ایشان بستگی دارد . "

این بیان مبارك اعلی شاهد گواه است که چگونه جوانان بهائی میتوانند حیات جامعه امر را بحرکت در آورند و قیام و همت ایشان چه نقش مهمی را در ترقیات آینده جامعه بعهده دارد . نسل جوان نسلی است که چشم عالمی بآن دوخته شده و منتظر و مترصد خدمات آنان است . اگر تاریخ را ورق بزنیم می بینیم که جوانان در جانبازیهها و خدمات امری در صدر امر الله سهم بسزایی داشته اند و صفحات تاریخ ملو از نامهای آن وجودات مقدسه است . جناب روح الله و جناب بدیع و جناب

قدوس ، عبد الوهاب شیرازی ، علی اشرف زنجانی ،  
 آقا مرتضی شهید سروستانی و چندین نفر از شهدای قلمه  
 شیخ طبرسی و قلمه علی مردانخان همه از طبقه جوان  
 بودند که با شهامت در میدان فدا جان باختند گر چه  
 اکنون دوران شهادت سپری شده اما جانفشانی و فداکاری  
 جوانان عهد ما در میادین خدمت را نمیتوان نادیده گرفت  
 زیرا چنانچه ملاحظه میشود در این قرن نورانی هم  
 عده ای از جوانان بهائی در نقاط مختلفه دنیا خدمات  
 با هر نائل آمده اند :

سنین نوجوانی هنگام کسب معارف امریه و آداب و اخلاق  
 الهیه است و سنین جوانی هنگام انتقال آن فضائل به  
 دیگران نوجوانان بنا بفرموده حضرت مولی الموری "باید  
 در دبستان (۱) انسانی تخلق با اخلاق روحانی نمایند و  
 هر یک از آنان رخش با اخلاق رحمانی چون مه تابان بدرخشند"  
 تا در سنین جوانی بتواند روشنی بر آفاق بخشد . و آنچه  
 را که آموخته به دیگران نیز تعلیم دهد حضرت عبد البهاء

(۱) مضمون بیان مبارک

در یکی از الواح تعلیمات مکتب اطفال را چنین بیان میفرمایند :

" اول تربیت آداب و تربیت باخلاق و تعدیل صفات و تشویق بر اکتساب کمالات و تحریر بر تمسک بدین الله و ثبوت بر شریعة الله و اطاعت و انقیاد تام بحکومت عادلانه و صداقت و امانت بسریر سلطنت حاضره و خیر خواهی عموم اهل عالم و مهربانی کل امم و تعلم فنون مفیده و السن اجنبیه و حسن سلوک و مداومت ادعیه خیریه در حق طوک و مملوک و اجتناب از قراءت کتب طوائف مادیه امم طبعیه و از حکایات و روایات عشقیه و تألیفات غرامیه . . . .

این است مکتب الهی که نوجوانان عزیز باید در آن تعلیم گیرند و موازین امری را بیا موزند سپس به وظیفه و مسئولیتی که بر عهده دارند ببیند و دستورات بیت العدل اعظم را بکار بندند .

بیت العدل اعظم در پیامی که مخصوص جوانان عزیز ارسال داشته اند میفرمایند :

" نوجوانان و همچنین جوانانی که سنین عمرشان بین بیست تا سی سال قرار دارد با وظیفه خطیری مواجه بوده و میتوانند از فرصتی که در تاریخ بشری سابقه و مثل است

استفاده نمایند "

سپس میفرمایند: " اولین میدان خدمت که پایه و شالوده اقدامات و موفقیت‌های بعدی آنان را تشکیل میدهد تحصیل معارف امری و کسب فضائل روحانی و تخلق با اخلاق و صفات رحمانی است اخلاق و صفاتی که با موازین امریه مرتبط نباشد . . . . در همین میدان خدمت که به خدمات و فضائل مکتسبه مذکوره در فوق نهایت ارتباط را دارد تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله است مخصوصاً در بین طبقه جوانان زیرا در بین این طبقه افرادی که دارای فکر روشن و جویای حقیقت باشند بسیارند . . . . سومین میدان خدمت عبارت از آن است که جوانان خود را برای آینده مهیا سازند . وظیفه هر فرد بهائی تعلیم و تربیت اولاد خویش است فرزند آن همسر عائله نیز موظفند بسهم خود در تحصیل معارف و علوم و کسب حرف و صنایع سعی بلیغ مبذول دارند تا بتوانند بنوبه خود تحصیل معاش نموده اداره امور خانواده را برعهده گیرند . این امر یعنی اقرار و تأمین معاش برای یک جوان بهائی بمثابة خدمت به حق محسوب میگردد خصوصاً آنکه این خدمت با تبلیغ امرالله منضم گردد و با مهاجرت فی سبیل الله توأم شود . . .

پس بنا بر آنچه که بیت العدل اعظم الهی خود در بیانات خو  
 نوجوانان و جوانان را متذکر میدارند و ظائف آنانرا میتوان  
 چنین خلاصه کرد که جوانان بهائی باید در سنین ابتدائی  
 قوای روحانی خویش را از طریق دعا و مناجات و مطالعه تعالیم  
 الهیه تقویت نمایند و موازات علوم ظاهره اصول و مبادی امر  
 و نظام بدیع حضرت بهاء الله را بیاموزند و بوسیله شرکت  
 در کنفرانسها و مدارس تأیستانه و همچنین ضیافات نوروز و  
 روزه اطلاعات کافیه و تجربیات کامله را اخذ نمایند و در سنین  
 بالاتر همچنانکه در تحصیل معارف و علوم و کسب و محرف و صنایع  
 مشغولند یا شرکت در لجنات و تشکیلات جوانان معلومات  
 امریه خویش را تکمیل نمایند سپس قدم در میدان خدمت  
 گذارند و قیام به هجرت کنند و با عقل و درایت کامل خدمت امر  
 الهی نمایند و تا سن حضرت عبدالبهاء مثل اعلای این آئین  
 اعظم نمایند که از ابتدای نوجوانی در عراق و سپس در سنین  
 جوانی در ممالک عثمانی چه خدمات برجسته ای انجام دادند  
 و چگونه با خلق رحمانی و رفتار الهی جمیع را مجذوب خویش  
 ساختند و بالاخره هم در ایام سالخوردگی پس از آزادی از  
 سجن از پای ننشستند و با وجود ضعف مزاج بممالک

دور دست سفر فرمودند و ندای امرالله را در قطب آفاق  
مرتفع ساختند .

حال که وظائف نوجوانان و جوانان روشن شد بسیار  
بجا است که قسمتی از پیام رضوان ۱۲۹ بدیع بیت العدل  
اعظم الهی را که در حقیقت بمثابه قدر دانی از جوانان<sup>ست</sup>  
که در میادین تبلیغ اسب می تازند زیب این اوراق شود .  
میفرمایند :

در خاتمه مقال چه نیکوست بذکر جوانان بهائیی  
پردازیم و خدمات آنان را که بمنهایت شدت و حرارت  
قدم در میدان مجاهدت گذاشته و ابواب جدیدی را در  
انتشار و اعلاء امرالله مفتوح کرده اند بستائیم . ایین  
جوانان قرن یزدان هم قبل و هم بعد از اقدام بعشرزعا<sup>ت</sup>  
و خدمات روحانیه خویش با تلاوت ادعیه حاره متمادیه  
ابواب تائید و عنایت ملا اعلی را بوجه خویش گشوده و گوی  
توفیق در میدان تبلیغ ربوده اند . . . الی آخر بیانسه  
الاحلی .